

نویسنده اینمقاله کتابی بنام «راز آفرینش انسان» نگاشته که در موضوع خود شاهکار کم نظیری است ... و خود مؤلف مندرجات آن کتاب را در یکمقاله جالب خلاصه نموده که ذیلا ترجمه آن از نظر خوانندگان گرامی میگذرد :

بقلم ا. کرسی موریسون

رئیس پیشین آکادمی علوم نیویورک

ترجمه : مهندس ذبیح الله دبیر

چرا بخدا ایمان آوردم ؟

ما فقط در طلوع عصر علمی هستیم و با وجود این ازم اکنون هر اطلاع جدید، هر افزایش روشنائی برای مادلل تازه ای میآوردد بر اینکه جهان ما کار یک عقل خلاقه است بدین- طریق ایمان روی معلومات تکیه مینماید، در هر منزلی دانشمند خود را نزدیکتر به خدا احساس میکند .

در آنچه مربوط بخودم است من در علم هفت برهان اکبر برای تقویت ایمانم یافته ام اولین و انکار ناپذیرترین برهان را ریاضیات بدستم میدهد .

اثبات عملی آنرا خود شامهم میتوانید بنمایید : ده سکه یا ده ژتون که از یک تاده شماره گذاری شده باشند در جیبتان بریزید و خوب آنها را بهم بزیند حال سعی کنید آنها را خارج نمائید بدین ترتیب که از سکه باژتون شماره یک شروع نموده و بترتیب تا سکه یا ژتون شماره ده بالا بروید البته هر دفعه که سکه ای یا ژتونی را بیرون میآورید دوباره آنرا در جیبتان گذارده و قبل از خارج کردن سکه دیگر مخلوط مینمائید از نظر ریاضی برای اینکه در اولین وهله سکه شماره یک را بیرون بیاورید يك شانس روی ده شانس دارید .

برای اینکه متعاقباً سکه شماره یک و شماره دورا بیرون بیاورید يك شانس روی صد شانس دارید و برای اینکه متعاقباً سکه شماره یک و سکه شماره دو و سکه شماره سه را بیرون

بیاورید يك شانس روی هزارشانس خواهید داشت شانس شما در مورد در آوردن هر ده سکه بترتیب يك روی ده میلیارد خواهد بود که يك رقم عظیمی است .
اینك سعی کنیم همان برهان را در مورد شرایطی که اجازه ظهور زندگی در روی زمین را داده اند بکار ببریم برای این امر مجبوریم اعتراف کنیم که از نظر ریاضی هیچ سلسله تصادفاتی نمیتواند همه آن شرایط را جمع کند .

اولین شرط : زمین دور محورش با سرعت ۱۶۰۰ کیلو متر در ساعت (سرعت حساب شده در استوا) میچرخد فرض کنیم که این گردش ده مرتبه کندتر گردد نتیجه این میشود که در حین روزهای ده مرتبه بلندتر حرارت خورشید نباتات را خواهد سوزانید و آنچه زنده بماند بسیار محتمل است که در شبهای ده مرتبه بلندتر یخ بزنند .

شرط دیگر موجودیت ما : خورشید منبع زندگی دارای حرارت سطحی ۵۵۰۰ درجه است زمین در دست بفاصله ای از این آتش ابدی قرار گرفته که بیا اجازه میدهد با اندازه لازم گرم شویم اگر خورشید فقط نصف پرتوش را نصیب ما میکرد یخ میزدیم و اگر يك برابر ونیم آنرا دریافت مینمودیم برشته میشدیم .

فصول ما معلول میل ۲۳ درجه ای محور زمین است اگر این میل وجود نداشت تبخیر دریاها فقط در دو جهت شمال و جنوب رخ میداد . وقاره های یخ بتدریج در قطبین برویهم انباشته میشدند . ماه حرکت دریاها را کنترل میکند فرض کنید که ماه تا ۸۰۰۰۰ کیلو متری زمین نزدیک شود آنوقت جذر و مد های عظیمی دو دهمه در روز قاره های را خواهند پوشاند .

حال فرض کنید که ضخامت قشر خارجی زمین سه متر افزایش یابد اکسیژن که برای هر زندگی حیوانی لازم است از بین خواهد رفت یا بالعکس فرض کنید که اقیانوس ها یک یا دو متر گود تر باشند زندگی نباتی بعلت فقدان کربن و اکسیژن نابود خواهد شد . این آثار - از بین آتار بیشمار دیگر - ثابت مینمایند اگر ظهور زندگی در روی زمین بعلت تصادف بود يك شانس روی میلیاردها و میلیاردها شانس وجود نداشت که زندگی روی سیاره ما پدید آید .

برهان دیگر ما را در سائلی که يك موجود زنده برای زنده ماندن در اختیار دارد میسایم اینچنانیز حضور يك عقل که همه چیز را تدارک نموده بچشم میخورد .

انسان هنوز رمز زندگی را نگشوده است نپیداند زندگی چیست زندگی هنوز دارد و نه بعد . و با وجود این دارای چه قدرتی است ! يك ریشه نحیف سختترین سنگ را

میشکافند. زندگی بر هوا، زمین و آب تسلط یافته عناصر را محکوم خود نموده ماده را مجبور کرده که تحلیل و سپس اجزاء خود را دوباره ترکیب نماید.

زندگی مجسمه سازی است که تمام اشکال را ساخته زندگی هنر مندی است که برگها را نقاشی و گلها را رنگ کرده زندگی شیمیدان عالیقامی است که بیوه ها و ادویه مزه و بهرزهها عطرشان را داده باکابن و آب قند تهیه و نیز چوب ساخته و از آن اکسیژنی که به حیوانات دم زندگی می بخشد رها نموده است.

این قطره بر تو پلاسم را بگیرد شفاف و تقریباً نامرئی قابلیت این را دارد که حرکت نموده و انرژی خود را از آفتاب کسب نماید.

این سلول واحد، این قطره چه لعاب کسی کدر نطفه زندگی را که حیات بخش تمام موجودات کوچک و بزرگ است در بردارد او مقتدرتر از درختان و حیوانات و همه مردم مجتمعاً میباشد زیرا هر گونه زندگی از آن بیرون آمده است.

طبیعت زندگی را خلق نکرده است. سنگهای سوخته شده از آتش دریاها ی ییزه هیچک از شرائط لازم برای ظهور زندگی را نداشتند.
در اینصورت کی زندگی را روی زمین قرارداد؟

برهان سوم من بشرح زیر است: روش حیوانات بنحوفصیحی حضور خداوند خلاق و خیر را اعلام مینماید که به آنها شعوری را که بدون آن کاملاً ناتوان بودند عطا فرموده است.

چهار ماهی آزاد چندین سال در دریا زندگی میکنند روزی بآب شیرینی که در آن بدنیا آمده بر میگردد به یک ماهی آزاد که از رودخانه بالا می رود نگاه کنیم او خود را با سر سختی بطرفی از رودخانه میکشاند که در آن طرف شعبه رودخانه ای که در آن تولد شده میریزد. چه چیزی او را ناین نقطه با چنین دقتی می آورد؟ این تجربه را بنیاید که این ماهی آزاد را در شعبه دیگری از رودخانه سوای شعبه دلخواه او قرار دهیم فوراً او خواهد دانست که در خط سیر خود نیست و سعی خواهد کرد که به رودخانه بیاید و سپس سر بالایی رودخانه را طی کند تا بشعبه زاد گاهش برسد و در آنجا همانطور که سر نوشتش بوده عمر خود را پایان برساند.

کشف رمز زندگی ماهیها مشکلتر از اینست. این مخلوقات شگفت آور بعضی بلوغ بر کهها و رودخانه هائی را که تا کنون در آن زندگی میکردند ترك مینمایند سپس همگی از هم بدیگه باشند سفر درازی را بسوی محل عنیق دریائی واقع در نواحی

برمود (۱) پیش میگیرند.

برای رسیدن با نجل مارماهیهای اروپائی باید هر از آن کیلومتر را در دریایسایند. بعضی اینکه بدریای سارگاس (۲) رسیدند مارماهیها تولید مثل نموده و میسیرند. آنگاه بچه مارماهیها که تازه بدنیا آمده اند و هنوز هیچ چیز از محیطی که آنها را فرا گرفته ندیدند جز اینکه شوراب بی پایانی است - بعزم سفر حرکت مینمایند و راهی را که پدران و مادرانشان پیموه اند پیش میگیرند نه تنها بساحلی که از آنجا پیشینانشان حرکت کرده اند خود را میرسند بلکه بجویبار کوچک؛ بیری که صحرائی که مسکن آنها بوده نیز سر میزنند هرگز یکمارماهی امریکائی در اروپا صید نگردیده و هرگز یکمارماهی اروپائی در آبهای امریکائی پیداننده است.

طبیعت همه چیز را تدارک نموده حتی اینکه بلوغ مارماهی اروپائی را یکسال بتاخیر انداخته تا اینکه در موقع عزیمتش نیروی لازم برای سفر طولانی را داشته باشد. پس چه کسی بارماهیها جنبشی که آنها را هدایت میکند داده است؟

چهارمین برهان من انسان است. انسان يك چیز برتر از شعور حیوان دارد این چیز عقل اوست.

هیچ حیوانی هرگز نشان نداده که میتواند تاده بشمرد یا اینکه معنی عددده را میفهمد شعور حیوان مانند دند واحد نی است که خوش آیند ولی محدود است و حال آنکه مغز انسان شامل تمام آلات موسیقی ارکستر است اصرار درباره این چهارمین برهان بیهوده است زیرا بتوسط عقلمان برای ما ممکن است بی بیریم که ما هستیم آنچه که هستیم بجهت اینکه جرقه ای از عقل کل را دریافت نموده ایم.

عجائب ژنها (۳) برهان پنجم را بدست من میدهد و در آنکشف اینکه تمام زندگی پیش بینی شده بوده می بایم يك ژن چیز کوچکی است خیال کنید که بتوانید ژنهای مبدعه بشر روی زمین را جمع کنید بسیار شگفت آور است که خواهید توانست آنها را در يك انگشتانه جادهید، با وجود این هر سلول زنده يك ژن دارد.

ژن صفات مشخصه هر انسان، هر حیوان هر نباتی را تعیین میکند يك انگشتانه برای جادادن مشخصات سه میلیارد انسان! . . . اما واقعیات واقیبات هستند.

از آنجاست که تحول در سلول یعنی در واحد اصلی که شامل و ناقل ژنها هست شروع میشود؛ که این ژن زنده بینی بتواند بهر ژندگی زمینی فرمان دهد اینجاست که هنر پیش بینی که فقط يك عقل خلاق و اجده است مشهود میگردد هیچ فرض دیگر با واقعیت آثار تطبیق نینماید.

(۱) (Bermudes) نام جزایری است در شمال شرقی جزایر آنتیل متعلق به انگلستان.

(۲) (Sargasse) ناحیه وسیعی در اقیانوس اطلس شمالی.

(۳) Gènes عامل وراثت موجود در کروموزم (Chromosome) - کروموزم

برهان ششم: این حکمت عالی که به تمام طبیعت حکومت میکند منحصر از مبدء الهی است.

چندین سال پیش نوعی از کاکتوس (۱) را برای پرچین سازی با استرالیا آوردند، این کاکتوس هیچ نوع دشمنی بین حشرات استرالیایی نداشت بدین سبب این تازه وارد در استرالیا بنحو نگران کننده ای نمو و تکثیر نمود و بزودی منطقه ای را که میتواند انگلستان را در خود جاهد فراگرفت، زارعین را ورشکست نمود و ازده حتی از شهر ساکنینشان را بیرون راند، حشره شناسان برای یافتن وسیله دفاعی بر علیه این حریف وحشتناک دنیا را زیر پا گذاشتند بالاخره حشره ای را کشف کردند که اختصاصاً از کاکتوس لعنتی تغذیه مینمود و بهیچ چیز دیگری میل نمیکرد، امتیاز دیگر آن بود که هیچ حشره دیگر استرالیایی حشره کوچک مکشوفه دانشمندان را نینخورد، امروز کاکتوس مغرب ازین رفته و با آن اکثر حشراتیکه برای خوردن آن وارد کرده بودند معدوم گردیده، اینک درست مقدار لازم برای مقابله همیشگی با مهاجم خطرناک باقی مانده است.

همه جا در طبیعت ما این تعادل بین انواع را مییابیم. برای چه حشراتی که اینقدر سریعاً تولید مثل میکنند بر زمین تسلط نیافته اند بجهت اینکه مانند انسان دارای شش نیستند حشره بوسیله لوله ای موسوم به تراشه تنفس میکند و وقتی حشره از قلممولیش تجاوز نماید لوله تنفسی اش به تناسب بقیه بدنش نمو نمیکند بدین علت هرگز حشرات عظیم الجثه یافت نمیشود. این نقص موجب جلوگیری از رشد حشره است بدون این نقص عضوی بشر از روی زمین معدوم میشد. خیال کنید که به یک زنبور بزرگی شیر بر میخوردید ! ...

بالاخره به هفتمین برهان میرسیم که به تنهایی کافی برای اثبات وجود خداوند است انسان بفکر وجود خداوند افتاده است

برای پی بردن به وجود خداوند باید دارای یک استعداد حقیقتاً خدائی بود. انسان و تنها انسان است که بوسیله قدرت تصور شهادت غیر مرمی را بدست آورده. تصور برای مامناظر بی پایانی میگذشاید انسان بواسطه این استعداد که در اختیار عقل گذارده شده کشف علت یک واقیعت عالی را در همه جا میآموزد:

آسمان همه جا هست. آسمان همه چیز است. خدا همه جا هست. خدا در همه هست. هیچ جای دیگر آنقدر که در قلب ما حضور دارد مشهود نیست.

بدین ترتیب حقیقت علمی و شهادت عقل بالاخره بایکدیگر ملحق شده و با مؤمن تصدیق دارند که: آسمانها عظمت و بزرگواری قادر متعال را اعلام و جهان کا در دست او را مشهود میسازد.

✽ عبارت است از جزء رشته هسته ای یک سلول هنگام تقسیمش.

(۱) (Cactus) نوعی نبات تیغ دار گوشتالو است.